



شماره ۲ | سال اول | زمستان ۱۳۹۶

تحلیل تأثیر راه‌های باستانی در شکل‌گیری استقرارگاه‌های باستانی و تاریخی الشتر (مبتنی بر تحلیل‌های فضایی GIS)

عباس مترجم*
مهدی حیدری**

(صص: ۲۶-۲۱)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹

چکیده

دشت الشتر منطقه‌ای سرسبز و پرآب، با آب‌وهوای مطبوع و خاک غنی است که از دوران پیش‌ازتاریخ تاکنون همواره مسکن اقوام و گروه‌های مختلف انسانی بوده است. موقعیت قرارگیری دشت الشتر و هم‌جواری با مناطق شمالی زاگرس، مرکز فلات، جنوب غرب ایران و بین‌النهرین از دیرباز به این منطقه اهمیت ارتباطی خاصی بخشیده است. نگارندگان پس از تشریح وضعیت اقلیمی و وضعیت راه‌های باستانی و تاریخی دشت الشتر، نحوه پراکنش استقرارگاه‌های باستانی و تاریخی دشت الشتر را در ارتباط با آن تحلیل نموده‌اند. در این راستا با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS نسخه ۱۰٫۳ موقعیت قرارگیری هر محوطه در الشتر مشخص شده است. خروجی نرم‌افزار، چهار نقشه در ادوار مس‌سنگی، مفرغ و آهن، تاریخی و اسلامی است. پس از بررسی‌های انجام‌شده، مسیر تقریبی راه باستانی در دشت الشتر که مسیر ارتباطی شمال به جنوب زاگرس مرکزی بوده مشخص شده است. تحلیل فاصله هر محوطه از این راه باستانی مشخص کرد که بیشتر محوطه‌های باستانی دشت الشتر از دوره اسلامی در امتداد این مسیر شکل گرفته‌اند. داده‌های این پژوهش براساس بررسی باستان‌شناسی است که توسط علی سجادی در سال ۱۳۷۶ شمسی، بررسی باستان‌شناسی داوود داوودی در دو فصل در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ شمسی و همچنین بررسی مجدد نگارندگان در دشت الشتر گردآوری شده است.

کلیدواژگان: دشت الشتر، استقرارگاه، راه‌های باستانی، تحلیل GIS.

*. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا.

** . دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول).

مقدمه

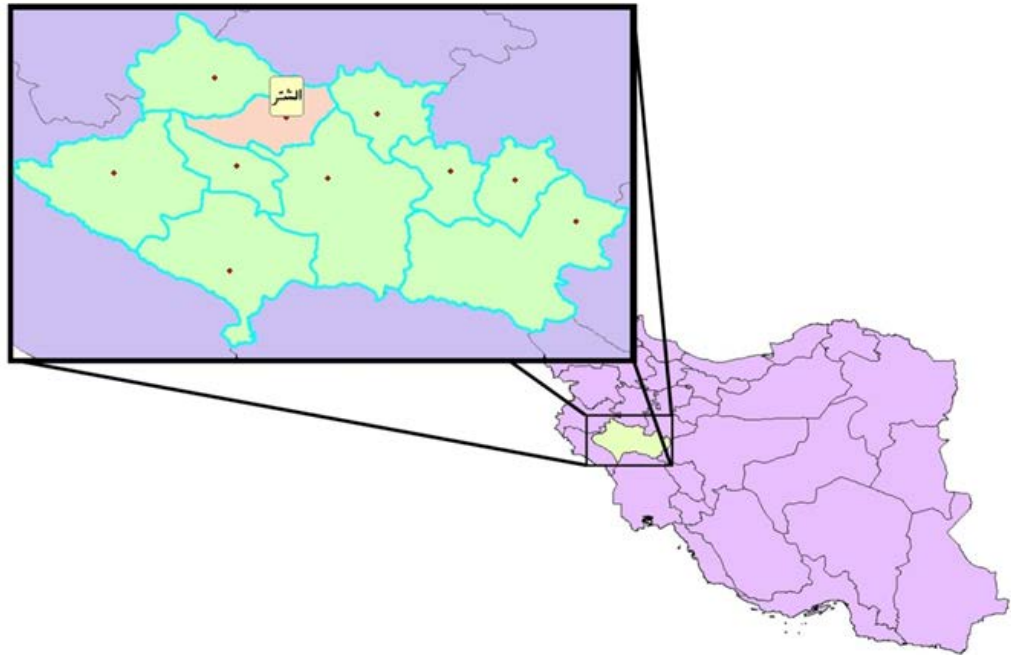
شهرستان الشتر در شمال لرستان و در مرز استان همدان جای گرفته است. اشارات مختلف در منابع تاریخی به الشتر، نشان از اهمیت این منطقه در دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی است. بررسی های باستان‌شناختی که تاکنون در دشت الشتر صورت گرفته، اهمیت این منطقه را تأیید می‌کند. در الشتر پیش از همه، اورل اشتاین به بررسی باستان‌شناسی پرداخته است (Stein, 1940). کلر گاف در طی بررسی های باستان‌شناسی که در شمال لرستان در سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م. داشت، از الشتر نیز دیدن نمود (Goff, 1968). لویی واندنبرگ به بررسی محوطه‌های باستانی دشت الشتر پرداخت که طی آن برخی از محوطه‌های الشتر از جمله تپه‌گیران، تپه بتکی و چغابال را معرفی کرد (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۹۵). در سال ۱۳۴۸ ه.ش. حمید ایزدپناه با هدف معرفی آثار باستانی لرستان، تعداد قابل توجهی از آثار استان لرستان و شهرستان الشتر را شناسایی کرد و بعدها تحت عنوان کتابی با عنوان «آثار باستانی و تاریخی لرستان» در سه جلد به چاپ رساند (ایزدپناه، ۱۳۷۶). در سال ۱۳۷۶ ه.ش. علی سجادی از طرف میراث فرهنگی استان لرستان مأموریت مطالعه و بررسی شهرستان الشتر را یافت. گزارش کار ایشان هم‌اکنون در اداره میراث فرهنگی استان لرستان نگهداری می‌شود (سجادی، ۱۳۷۶). علاوه بر این در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ ه.ش. داوود داوودی در طی دو فصل به مطالعه آثار باستانی و تاریخی شهرستان الشتر پرداخت (داوودی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶). نگارندگان در راستای تبیین روند استقرار در دشت الشتر و میزان تأثیرگذاری وضعیت اقلیمی و آب‌وهوایی منطقه و اهمیت راه‌های باستانی و تاریخی این منطقه، به ترسیم نقشه استقرارگاه‌های دشت الشتر از دوره مس‌سنگی، دوران مفرغ و آهن، دوران تاریخی و اسلامی پرداخته‌اند. جهت انجام این منظور از گزارش‌های بررسی‌های داوود داوودی (داوودی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶)، علی سجادی (سجادی، ۱۳۷۶) و همچنین بررسی مجدد نگارندگان در ارتباط با موضوع این پژوهش بهره گرفته شده است. در این راستا نگارندگان در این پژوهش سعی در تحلیل مسائل زیر را دارند:

نقش راه‌های باستانی و تاریخی الشتر را در شکل‌گیری استقرارگاه‌های باستانی و تاریخی این منطقه چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ و اساساً نقش راه باستانی شمال به جنوب که از دشت الشتر عبور می‌کند، از چه دورانی واقعیت می‌یابد؟

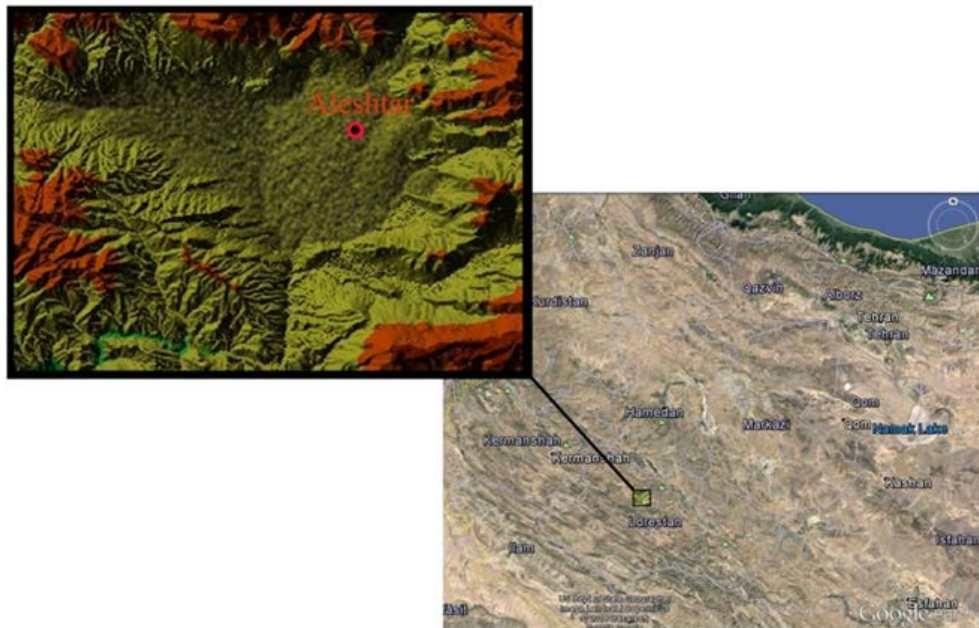
جغرافیا و جغرافیای تاریخی الشتر

الشتر نام بخش مرکزی شهرستان الشتر است. شهرستان الشتر شامل چهار دهستان دوآب، قلعه مظفری، هنام و یوسفوند در بخش مرکزی و دو دهستان فیروزآباد و قلابی در بخش فیروزآباد است (آذری فر، ۱۳۸۸: ۲۲). آنچه که به‌عنوان الشتر می‌شناسیم، شامل دشتی کوچک به ابعاد ۲۰ در ۲۰ کیلومتر است که در شمال استان لرستان جای گرفته است (تصاویر ۱ و ۲). شهرستان الشتر از شمال به کوه گری، از مشرق به بخش چقلوندی، از مغرب به دلفان و از جنوب به سفیدکوه و بخش چقلوندی محدود است (ساک، ۱۳۴۳: ۱۲۶).

از منطقه زاگرس مرکزی برای اولین بار در منابع بین‌النهرینی، یعنی لوح‌نوشته‌ها که شامل سالنامه‌ها و گاه‌نامه‌ها است، نام برده می‌شود. منابع بین‌النهرینی مردمی که در زاگرس مرکزی می‌زیسته‌اند را کوهستان‌نشینانی سرکش معرفی کرده‌اند که دسترسی به آن‌ها سخت بوده است (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۵۶). از دوره نوسنگی به بعد تا اواخر هزاره دوم ق.م. زاگرس و منطقه غرب ایران یا بخشی از تمدن ایلام بودند یا نواحی فرهنگی مستقل ولی کم‌اهمیتی در حوزه ایلام یا بین‌النهرین به‌شمار می‌رفتند (لوی، ۱۳۸۲: ۴۴۸). اوان، شیماشکی و ورهشه از جمله مناطق مهمی هستند که اسناد و مدارک تاریخی اواسط هزاره سوم ق.م. به بعد از آن‌ها نام می‌برند. از سه منطقه فوق، شیماشکی به نظر می‌رسد طبق نظر برخی از محققین از جمله ساخت در تپه‌گیران



تصویر ۱. موقعیت شهرستان الشتر در استان لرستان (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۲. نقشه ژئورفرنس شده دشت الشتر با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS گونه ۱۰،۳ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

(در دشت الشتر) و یا در گودین تپه کنگاور در ماهیدشت است. اما ساخت یادآوری می‌شود که تاکنون مکانی به شکل یک شهر بزرگ که قابلیت چنین تمرکزی را داشته باشد، در زاگرس مرکزی شناسایی نشده است (ساخت، ۱۳۸۲: ۳۵۸). جای نام سیماشکی برای نخستین بار بر روی کتیبه‌ای به خط اکدی از شوش از زمان پوزور-اینشوشیناک دیده شد. استینکلر معتقد است واژه «لو-سو» در متون بین‌النهرینی اشاره به سیماشکی دارد (نیکنمایی و رفیعی‌علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۱ و ۲۰۳). در ارتباط با این

جای نام نظریات متعددی از سوی پژوهشگران ارائه گردیده؛ فرانسوا والا کرمان را مکان احتمالی سیماشکی (Vallat, 1980a: 8) و استو، سیماشکی را جایی در شرق ایران و کرمان (Steve, 1989) و هرتسفلد آن را منطقه‌ای بین اصفهان و گلپایگان (Herzfeld, 1968) می‌داند. ماسکارا لادفول را برای سیماشکی در نظر می‌گیرد (Muscarella, 1989: 120) و زادوک آن را در جایی از فارس تا دریای مازندران می‌داند (Zadok, 1991: 227). استینکلر همین نظر زادوک را به نوعی بیان می‌کند؛ وی معتقد است اگر دریای علیا در کتیبه‌های بین‌النهرینی اشاره به دریای مازندران داشته باشند، پس سیماشکی جایی در بین استان فارس و دریای مازندران است (Steinkeller, 1990: 13).

بسیاری دیگر از پژوهشگران منطقه سیماشکی را در زاگرس مرکزی می‌دانند. والتر هینتس، جرج کامرون، رابرت هنریکسون و دانیل پاتس جایگاه آن را در زاگرس مرکزی در نظر گرفته‌اند (کامرون، ۱۳۸۷؛ پاتس، ۱۳۸۵؛ Hinz, 1963; Henrickson, 1986). مجیدزاده کمبود مدارک در ارتباط با سیماشکی در شوش را از آن سبب می‌داند که جایگاه پادشاهان سیماشکی نه در شوش، بلکه در سیماش، شاید جایی در نزدیکی خرم‌آباد بوده است (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۹). کایلر یانگ دره بروجرد را به سبب وجود تعداد زیادی از محوطه‌های باستانی در هزاره سوم و دوم ق.م. جایگاه مناسبی برای سیماشکی فرض می‌کند. از نظریه‌های تاریخی قدیم ارتباطات نزدیکی بین دره بروجرد و منطقه کنگاور وجود داشته است (شاخت، ۱۳۸۲: ۳۴۵). دومیروشچی نواحی شمال شرق و شرق دشت خوزستان (Miroschedji De, 1980: 137-8) و استولپر دره‌های شمال خوزستان و در احتمالی دیگر نواحی کوهستانی فارس را جایگاه سیماشکی می‌دانند (Stolper, 1982: 48). نیکنامی و رفیعی‌علوی در طی مقاله پژوهشی که در ارتباط با این جای نام انجام داده‌اند، به سبب آنکه در نیمه اول هزاره دوم ق.م. در منطقه کرمان تراکم محوطه‌های استقرار دیده نمی‌شود و همچنین به جهت آنکه در این زمان دیگر نقشی در تبادلات تجاری ندارد، منطقه کرمان را جایگاه مناسبی برای سیماشکی نمی‌دانند. در ادامه متذکر می‌شوند که زاگرس مرکزی در دوره گودین III می‌تواند مکان دقیق تری برای این جای نام باشد (نیکنامی و رفیعی‌علوی، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۰). در تأیید جای داشتن سیماشکی در ارتفاعات شمال دشت خوزستان، مظاهری و کریمی نیز به وجود سفال گودین III در دره سیمره اشاره می‌کنند (مظاهری و کریمی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

در طول هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق.م. شمال لرستان مسکن کاسیان بوده است. به نظر می‌رسد برخی از اسامی از جمله رودخانه کشکان در الشتر از نام کاسیان گرفته شده باشد. در دوره آشورنو دره‌های جاده خراسان بین کردستان و لرستان برخلاف مانایی و الیپی سازمان سیاسی یکپارچه‌ای نداشته است. در عوض قلمروهای کوچک بسیاری یافت شده که هر یک تحت کنترل آنچه آشوریان «شهردار» (بل‌آلی) می‌خوانند، است (لویس، ۱۳۸۲: ۴۵۱). به نظر می‌رسد منطقه الشتر تا ظهور اسلام در ایران بخشی از امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی بوده است. در منابع اسلامی در مورد الشتر مطالب زیادی نوشته شده است. اولین کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* است که آن را «لیشتر» ثبت کرده و لیشتر را منطقه‌ای بندقی خیز توصیف کرده است (*حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ۱۳۶۲: ۱۳۱). یاقوت حموی در *معجم البلدان* (حموی، ۱۹۷۷: ۱۳) و اصطخری در «مسالک و ممالک» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۳) الشتر را به صورت «لاشتر» نوشته‌اند. گاهی اوقات مکان الشتر اشتباه ثبت شده است؛ یاقوت حموی الشتر را میان همدان و نهاوند ذکر کرده است (حموی، ۱۹۷۷: ۱۳). حمداله مستوفی در مقاله *سوم نزهة القلوب* در باب دهم در ذکر کردستان از «الیشتر» نام می‌برد: «الیشتر شهری وسط است و جایزه رود و آتشیانهار و خشنام بوده است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۰۷).

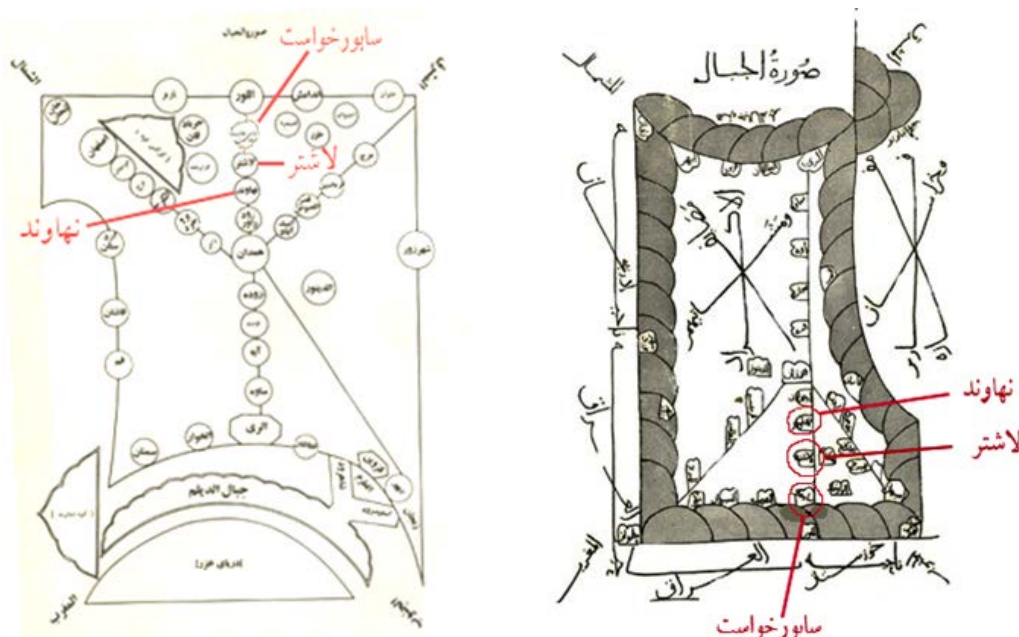
علاوه بر موارد فوق، ابن حوقل در *صورة الارض*، «لاشتر» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲)، ظهیرالدین نیشابوری در *سلجوقنامه*، «اشتر» (نیشابوری، ۱۳۹۲: ۵۵)، راوندی در *راحة الصدور*، «لیشتر»

(راوندی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)، اسکندربیک ترکمان در *عالم‌آرای عباسی*، «الشر» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۸۶-۸۱) و ظل‌السلطان در *سرگذشت مسعودی* «الشر را «الشر» ذکر کرده‌اند (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸: ۶۰۶). در باب وجه تسمیه الشر، مطلب دقیقی وجود ندارد. حجت‌الله حیدری در این باره می‌نویسد: «با توجه به عقاید مذهبی که در زمان‌های بسیار قدیم رواج داشته، شاید از زمان مهرپرستی این نام بر این منطقه اطلاق شده باشد. الهه ایشتر یکی از خدایان قوم کاسیت است که با واژه الشر وجه مشترک دارد. ایشتر خدای عشق و باران بوده و مجسمه سنگی آن در سرپل ذهاب است و به ظن قوی «آویشتر» بوده، به معنی آبی که ایشتر آن را داده است» (حیدری، ۱۳۷۹: ۱۶). کیوان پهلوان بعد از توضیحاتی مفصل در باب «آلاشت» در استان مازندران (زادگاه رضاشاه پهلوی) به ارتباط بین آلاشت و الشر می‌پردازد. به اعتقاد وی ریشه مردمان ساکن در آلاشت به الشر برمی‌گردد. وی خاک، آب و آتش را که برای آلاشتی‌ها مقدس است، فصل مشترک بین اعتقادات باستانی مردم آلاشت و الشر می‌داند. کیهان پهلوان به نقل از ایرج افشارسیستانی نقل می‌کند: «وجه مشترک میان «الیشتر» و «شتر» به دلیل رخنه دین زرتشت، وجود آتشکده است که در این محل به چشم می‌خورد... در کتیبه انوبانی نی پادشاه لولوبی به واژه ایشتر یا الهه ایشتر از خدایان لولوبی یا لولوها که آن‌ها را نیاکان لرها نیز شمرده‌اند برمی‌خوریم که با واژه الیشتر یا الشر وجه اشتراک دارد، ولی نمی‌توان واژه الشر را از همان واژه ایشتر و اشتر بابتی و عشرته سریانی و اشتر، ستار و ستاره ایرانی دانست که ایرانیان باستان به دلیل دل‌بستگی به ملیت و نژاد خود، این واژه را گرفته و با گذشت زمان ایشتر به «اشتر» تبدیل شده است» (پهلوان، ۱۳۸۵: ۵۲-۲۷). حمید ایزدپناه در این ارتباط نقل می‌کند: «شادروان استاد پورداوود عقیده داشت که الیشتر باید مرکز اصلی همان سرزمینی باشد که داریوش در کتیبه‌های خود از آن به نام نیسا نام برده است؛ سرزمینی که اسبان خوب و مردان خوب دارد، به‌ویژه آنکه در الیشتر آتشکده‌ای قدیمی موسوم به «اروخش» یا «ارخش» وجود داشته است» (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۵۷).

راه‌های باستانی و تاریخی الشر

راه ارتباطی که مناطق شمال غرب ایران را به مناطق جنوب غرب ایران متصل می‌کرده (همدان و کرمانشاه به سمت دشت خوزستان)، یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی بوده که از پیش از اسلام ارتباط غرب و شمال غرب با مناطق جنوب غرب ایران را برقرار می‌کرده و امتداد این راه از دشت الشر نیز عبور می‌کرده است (کریمی، ۱۳۴۳: ۱۶۱). در واقع راه شمال به جنوب غرب ایران، دو شاخه اصلی داشته که یکی از این شاخه‌ها از همدان به سمت دشت خوزستان و زاگرس و شوش می‌رفته که پس از عبور از دشت الشر به نواحی جنوبی امتداد می‌یافته است (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۳). این راه ارتباطی در نهاوند پس از عبور از گاماسیاب و دشت خاوه وارد دشت الشر می‌شده است. ادامه این مسیر پس از عبور از دشت الشر به تنگه گاوشمار در جنوب غرب شهرستان الشر می‌رسیده که محل عبور از سفیدکوه به سمت شهرستان چگنی است. در جنوب سفیدکوه بر روی رودخانه کشکان، پل بزرگی از دوره ساسانی برجای مانده که عبور از این رودخانه را ممکن می‌نموده است. ادامه این مسیر به سمت شرق بوده که پس از عبور از شاپورخواست (خرم‌آباد) به سمت شوش ادامه می‌یافته است. گواه این مطلب پل‌های بزرگی است که از دوره ساسانی در شهرستان چگنی (پل کشکان) و جنوب شهر خرم‌آباد (پل شکسته) برجای مانده است. این مسیر باستانی تا اوایل دوره اسلامی ارتباط شمال به جنوب را ممکن می‌نموده است. با اهمیت یافتن برخی نواحی لرستان و گسترش ارتباطات در لرستان، مسیرهای جدیدی احداث می‌گردد. جاده‌ای که از نهاوند به دشت الشر وارد می‌شده، تغییر مسیر داده و به جای طی مسیر در جنوب سفیدکوه، در شمال این رشته‌کوه ادامه مسیر داده و پس از عبور از کاکارضا به شاپورخواست

ملحق می‌شده است. این مسیر گویا در زمان ساسانیان نیز وجود داشته، اما به نظر می‌رسد در اوایل دوران اسلامی اهمیت آن نسبت به مسیر قبلی فزونی یافته و حمل‌ونقل از این مسیر بیشتر صورت می‌گرفته است. مزیت این مسیر، کوتاهی مسافت و هموارتر بودن جاده است. در منابع اسلامی به راه‌های غرب ایران کم‌وبیش اشاراتی شده است. اصطخری، ابن حوقل و مقدسی این راه‌ها را تشریح نموده‌اند (تصاویر ۳ و ۴). اصطخری در *المسالک و الممالک* آورده است: «اول از همدان تا رود‌آور و از رود‌آور تا نهاوند هشت فرسنگ، از نهاوند تا لاشتر ده فرسنگ و از لاشتر تا شابرخواست دوازده فرسنگ و از شابرخواست تا لور سی فرسنگ و درین مسافت هیچ شهر و دیه نیست و از لور تا شهر اندامش دو فرسنگ و از قنطره تا جندی سابور دو فرسنگ» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۳).



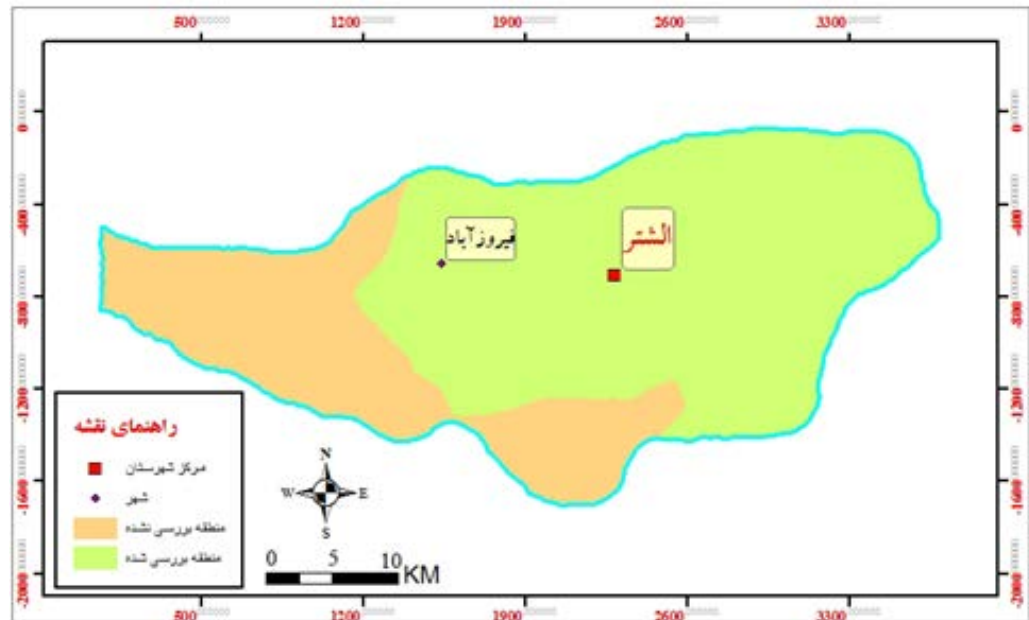
تصویر ۳. نهاوند، الشتر و شاپورخواست در نقشه تصویر ۴. نهاوند، الشتر و شاپورخواست در نقشه صورة الجبال ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲). اصطخری از صورة الجبال (اصطخری، ۱۳۴۰: ۵۶۵).

وضعیت سکونتی دشت الشتر از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی

در این پژوهش نگارندگان با استفاده از گزارش‌های بررسی‌های سطحی علی‌سجادی (سجادی، ۱۳۷۶) و داوود داوودی (داوودی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶) و همچنین بررسی مجدد نگارندگان (حیدری، ۱۳۹۲ و حیدری و همکاران، ۱۳۹۴) به بررسی وضعیت سکونتی محوطه‌های باستانی و تاریخی دشت الشتر پرداخته‌اند. در این راستا نگارندگان مکان قرارگیری محوطه‌ها در دشت الشتر را با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS ثبت کرده‌اند. بررسی موقعیت قرارگیری محوطه‌ها از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی حاوی نکاتی است که در تشریح مسأله الگوهای استقرار در این منطقه و همچنین نقش راه‌های باستانی این ناحیه در شکل‌گیری الگوهای استقرار مؤثر واقع گردیده است. لازم به یادآوری است که شهرستان الشتر شامل شش دهستان قلعه مظفری، یوسفوند، هنام، دوآب، فیروزآباد و قلائی است که بررسی‌های صورت‌گرفته تاکنون پنج دهستان را دربر گرفته و در دهستان قلائی و بخشی از دهستان هنام کاری صورت‌نگرفته است. البته آنچه که در این پژوهش از آن تحت عنوان دشت الشتر یاد می‌شود، تماماً مورد بررسی قرار گرفته و خوشبختانه اطلاعات در مورد

دشت الشتر تا حدودی کامل‌تر است و می‌توان وضعیت محوطه‌ها را تا حدودی تشریح کرد (تصویر ۵).

در ناحیه مورد مطالعه، در مجموع ۹۶ محوطه استقرار شناسایی شد. محوطه‌ها در چهار گروه تفکیک شدند که شامل دوران مس‌سنگی، مفرغ و آهن، تاریخی و اسلامی است (جدول ۱).



تصویر ۵. مناطق بررسی شده و بررسی نشده شهرستان الشتر با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS (نگارندگان، ۱۳۹۶).

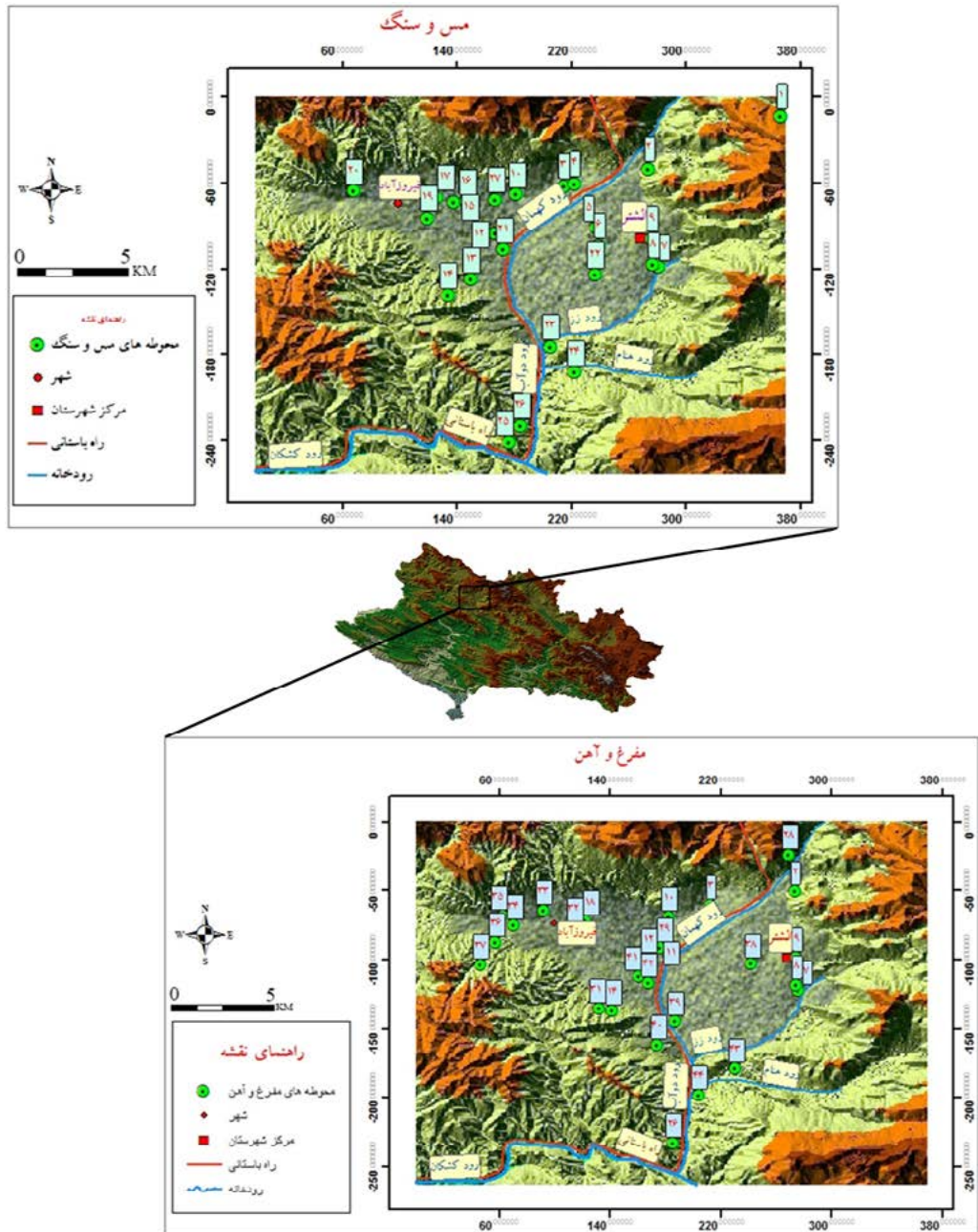
بر این اساس در دشت الشتر ۲۷ محوطه مرتبط با دوره مس‌سنگی شناسایی شد (جدول ۱ و تصویر ۶). با توجه به نحوه پراکنش محوطه‌های دوره مس‌سنگی در سطح دشت الشتر، به نظر می‌رسد در این دوره تمام دشت الشتر مسکونی بوده است. در دشت الشتر ۴ رودخانه دائمی که همان زز، هنام و دوآب جریان دارد که از پیوستن رودخانه کاکارضا در جنوب الشتر و رودخانه دوآب، رودخانه کشکان به وجود می‌آید. علاوه بر این در جای جای دشت الشتر چشمه‌ها و سرآب‌های متعددی وجود دارد که از نظر منابع آبی به دشت الشتر غنای خاصی بخشیده است. وجود خاک حاصل خیز از دیگر عوامل مهم دشت الشتر در زمینه شرایط مساعد برای سکونت است. با توجه به این شرایط، وجود استقرارگاه‌های پراکنده در دشت الشتر قابل توجیه است. به نظر می‌رسد شرایط فوق در پراکنش محوطه‌ها در دشت الشتر در دوره مس‌سنگی نقش اساسی داشته است. در حاشیه رودخانه‌های که همان زز بیشترین استقرارگاه‌ها دیده می‌شود. با این وجود در نواحی شرقی دشت الشتر نیز تعداد نسبتاً زیادی محوطه‌های سکونت‌ی مربوط به این دوره دیده می‌شود.

۲۸ محوطه مربوط به دوران مفرغ و آهن در طی بررسی‌های انجام شده در ناحیه مورد مطالعه شناسایی شد (جدول ۱ و تصویر ۶). بررسی نقشه پراکنش محوطه‌ها در این دوران، تفاسیر مربوط به دوره مس‌سنگی را نشان می‌دهد. در این دوره نیز تمام سطح دشت الشتر مسکونی است.

در دوران تاریخی و به خصوص دوره اشکانی در دشت الشتر با افزایش تعداد محوطه‌ها مواجهیم. ۸۲ محوطه مربوط به این دوران در دشت الشتر شناسایی شده است (جدول ۱). گذشته از افزایش تعداد محوطه‌ها در این دوران، نوع پراکنش محوطه‌ها هم نسبت به دوران قبل قدری تغییر

جدول ۱. محوطه‌های مناطق بررسی شده الشتر در ادوار مس‌سنگی، مفرغ، آهن، تاریخی و اسلامی (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ردیف	نام محوطه	مس‌وسنگ	مفرغ و آهن	تاریخی	اسلامی	ردیف	نام محوطه	مس‌وسنگ	مفرغ و آهن	تاریخی	اسلامی
۱	قلا	*		*		۴۹	کردآباد سفلی			*	
۲	ورکمر	*	*	*		۵۰	چیاپهن			*	*
۳	گربیران	*	*	*	*	۵۱	چیا صفر			*	*
۴	گردله	*		*		۵۲	چیا کاظم آباد			*	*
۵	گل زرد ۳	*		*	*	۵۳	بایر			*	*
۶	سه پسان ۱	*		*	*	۵۴	محوطه سرآب امیر			*	*
۷	امرابی	*	*	*		۵۵	عادل آباد			*	*
۸	نصرآباد	*	*	*	*	۵۶	چیا جی جو			*	*
۹	کرت آباد	*	*	*		۵۷	کمرسیاه علیا			*	*
۱۰	بتکی	*	*	*	*	۵۸	گون کاور			*	*
۱۱	ده آقا	*	*	*		۵۹	چیا ریخله			*	*
۱۲	دیم	*	*	*		۶۰	گرشاهی			*	*
۱۳	تپه قبرستان قاسم	*		*	*	۶۱	تپه قلعه چنگیزی			*	*
۱۴	خزون دوزبردی	*	*	*		۶۲	فورچو			*	*
۱۵	چک شه کرم	*	*	*		۶۳	کوی ره گه			*	*
۱۶	کلک پیرمحمدشاه	*	*	*	*	۶۴	پاچنار			*	*
۱۷	دره ماران	*	*	*		۶۵	تخت سلیمان			*	*
۱۸	پاچیا تملیه	*	*	*	*	۶۶	پرچین کاو			*	*
۱۹	تیمور سوری علیا	*	*	*		۶۷	ژیرری			*	*
۲۰	پاچیا غلام آباد خیاط	*	*	*		۶۸	سیل حق علی			*	*
۲۱	چیا نیازآباد	*	*	*		۶۹	چیا گل گل			*	*
۲۲	موسی آباد	*	*	*	*	۷۰	کلوشل			*	*
۲۳	ژیرطاق دوآب	*	*	*	*	۷۱	ژیرتنگ خیاط			*	*
۲۴	علی آباد	*	*	*		۷۲	سرقبرستان هرباخ			*	*
۲۵	کوی خاله	*	*	*	*	۷۳	دم باریکه			*	*
۲۶	دره زخال	*	*	*	*	۷۴	حیه ر			*	*
۲۷	کهریز	*	*	*		۷۵	نوروزه			*	*
۲۸	قی گر	*	*	*	*	۷۶	چیا قرعلی			*	*
۲۹	روا	*	*	*		۷۷	قلابی			*	*
۳۰	اولادعلی	*	*	*	*	۷۸	کلک واژون در			*	*
۳۱	چال زر	*	*	*		۷۹	شاه سمین			*	*
۳۲	پاچیا رومشته	*	*	*		۸۰	چیا بل ۱			*	*
۳۳	ژیردی	*	*	*	*	۸۱	علی ویسی			*	*
۳۴	سیل	*	*	*	*	۸۲	چیا دهنو			*	*
۳۵	هوردیمه	*	*	*	*	۸۳	دره خراوه			*	*
۳۶	ماهور	*	*	*	*	۸۴	چیا نیازآباد			*	*
۳۷	پاچیا ربی آباد	*	*	*	*	۸۵	جو بهرامی			*	*
۳۸	چیا بل ۲	*	*	*	*	۸۶	مومن آباد			*	*
۳۹	شهمسوار	*	*	*	*	۸۷	قورچو آهنگران			*	*
۴۰	دیمزار	*	*	*	*	۸۸	آهنگران علیا			*	*
۴۱	چیا درکه ۱	*	*	*	*	۸۹	درآو بردیل			*	*
۴۲	چیا درکه ۲	*	*	*	*	۹۰	چم نویره			*	*
۴۳	شادیه	*	*	*	*	۹۱	کنی تویریک			*	*
۴۴	سرآب صیدعلی	*	*	*	*	۹۲	میوله کلنگ			*	*
۴۵	پاچیا خزینه	*	*	*	*	۹۳	دار مرو			*	*
۴۶	گل زرد ۱	*	*	*	*	۹۴	سلطان مشرق			*	*
۴۷	گل زرد ۲	*	*	*	*	۹۵	قورچو سالیانه			*	*
۴۸	سه پسان ۲	*	*	*	*	۹۶	پیرمحمدشاه			*	*

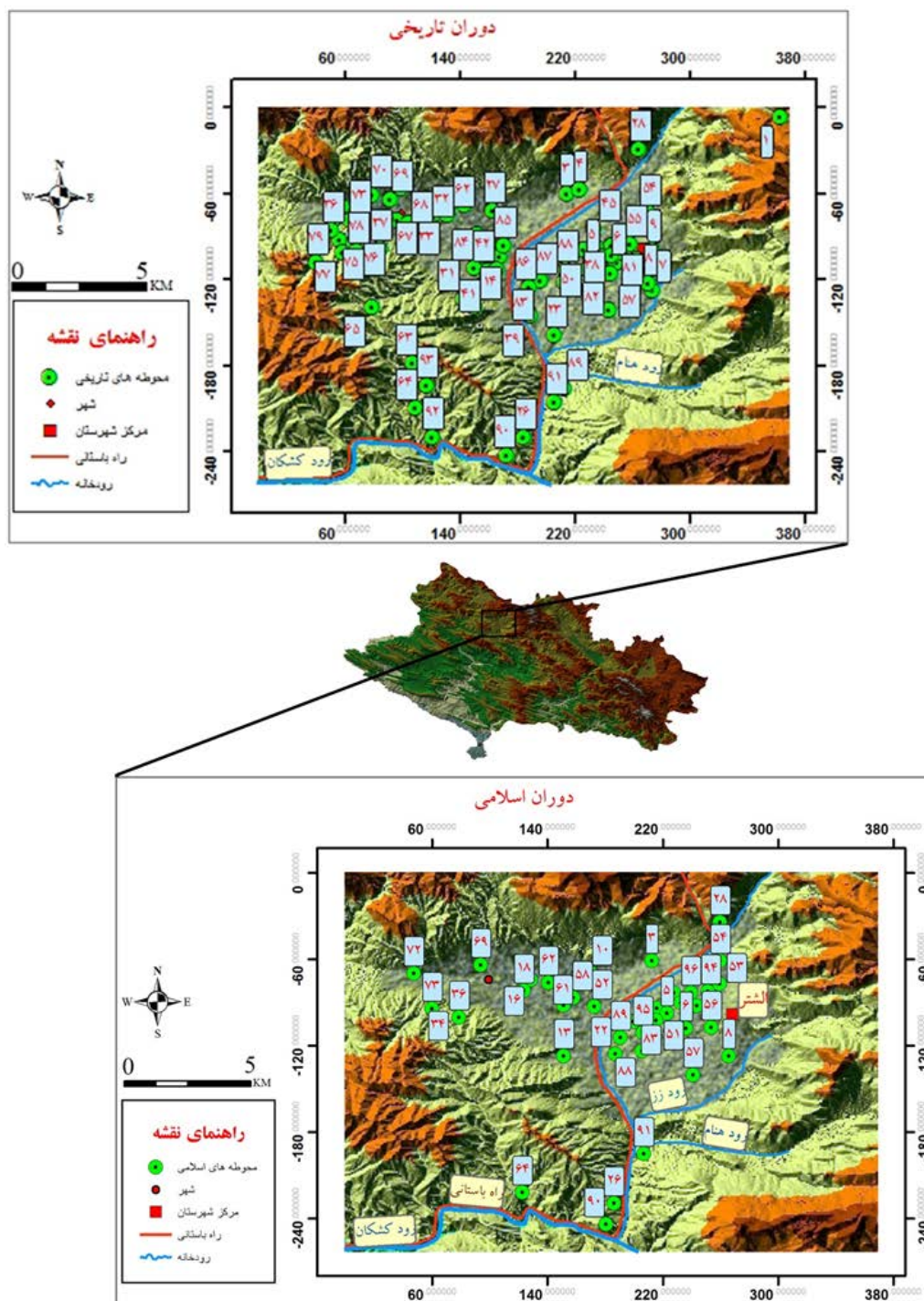


تصویر ۶. پراکنش محوطه‌های ادوار مس‌سنگی، مفرغ و آهن در دشت الشتر در نرم‌افزار ArcGIS (نگارندگان، ۱۳۹۶).

می‌کند. در این دوران تجمع محوطه‌ها در دو ناحیه مرکزی و شرقی دشت الشتر دیده می‌شود (تصویر ۷).

در همین ارتباط ۵۲ محوطه از دوره اسلامی در دشت الشتر شناسایی شده است (جدول ۱). در این دوره تعداد محوطه‌ها به نسبت دوره قبل کاهش می‌یابد. در دوره اسلامی تجمع محوطه‌ها در ناحیه مرکزی دشت الشتر است. به نسبت ادوار پیش از اسلام، در این دوره پراکنش محوطه‌ها در تمام سطح دشت الشتر کمتر است و ناحیه مرکزی دشت الشتر بیشترین تعداد محوطه‌ها را در خود جای داده است. در شمال و غرب شهر فعلی الشتر بیشترین تعداد محوطه‌ها دیده می‌شود (تصویر

۷. حاشیه رودخانه کهمان، دواب و کشکان (مسیر تقریبی راه باستانی) بیشترین محوطه‌ها را در خود جای داده است.



تصویر ۷. پراکنش محوطه‌های دوران تاریخی و اسلامی در دشت الشتر در نرم‌افزار ArcGIS (نگارندگان، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل تصاویر ۶ و ۷ حاوی نکاتی مهم در رابطه با الگوی سکونتی دشت الشتر از پیش‌ازتاریخ تا دوره اسلامی است. شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی در کنار راه‌های باستانی دو عامل اصلی در رابطه با الگوی سکونتی دشت الشتر از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوره اسلامی است. همان‌طور که گفته شد، دشت الشتر به جهت وجود منابع آبی فراوان که شامل ۴ رودخانه دائمی و تعداد زیادی سراب و چشمه است که در سراسر دشت الشتر پراکنده شده‌اند، و همچنین به سبب خاک غنی و آب‌وهوای مناسبی که این منطقه دارد، از نظر شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی سکونت در هر گوشه از آن کاملاً مساعد بوده است. به همین سبب از دوران پیش‌ازتاریخ تاکنون شاهد استقرارگاه‌های متعددی در تمام سطح دشت الشتر هستیم. در دوران مس‌سنگی، مفرغ و آهن، الگوی استقراری دشت الشتر کاملاً پراکنده و وابسته به منابع آبی و زمین است و تمرکز قابل تفسیری در این دوران دیده نمی‌شود. در دوران تاریخی به‌ویژه در دوره اشکانی، در دشت الشتر با افزایش قابل توجه محوطه‌ها روبه‌رو هستیم. با این وجود در این دوران نیز پراکندگی محوطه‌ها در تمام سطح دشت الشتر بوده و تمرکز قابل بحثی در دشت الشتر دیده نمی‌شود. در دوره اسلامی با کاهش تعداد محوطه‌ها نسبت به دوران تاریخی روبه‌رو می‌شویم. در این دوره در کنار کاهش تعداد محوطه‌ها، تمرکز و تجمع محوطه‌ها در ناحیه مرکزی دشت الشتر دیده می‌شود. دو تا سه کیلومتری شمال و غرب شهر فعلی الشتر بیشترین تعداد محوطه‌ها را دارد.

اگر فاصله دو کیلومتری از مسیر تقریبی راه باستانی الشتر را برای محوطه‌های پیرامون آن در نظر بگیریم، نقش محوری این راه باستانی در ادوار مختلف دقیق‌تر مشخص می‌گردد. در دوره مس‌سنگی از تعداد ۲۷ محوطه شناسایی شده، تعداد ۹ محوطه در حاشیه این راه جای گرفته‌اند. از تعداد ۲۸ محوطه دوران مفرغ و آهن، ۱۱ محوطه در حاشیه راه باستانی قرار دارند و این در حالی است که از تعداد ۸۲ محوطه دوران تاریخی، ۳۰ محوطه در این محدوده قرار دارند. در دوره اسلامی وضعیت به‌گونه‌ای دیگر است؛ در این دوره از ۴۳ محوطه ثبت شده، ۲۶ محوطه در حاشیه این راه باستانی جای گرفته است (تصویر ۸).



تصویر ۸. نمودار درصد تعداد محوطه‌هایی که در ادوار مختلف در حاشیه راه باستانی جای گرفته‌اند (نگارندگان، ۱۳۹۶)

به جز مطالبی پراکنده، از وضعیت راه باستانی دشت الشتر در دوران پیش از اسلام اطلاعات دقیقی وجود ندارد، اما بررسی نقشه‌های الگوی استقرار محوطه‌ها در دوران پیش از اسلام نشان دهنده آن است که این راه باستانی در شکل‌گیری محوطه‌ها نقش چندانی نداشته است. در دوران پس از اسلام الگوی سکونت دشت الشتر با محوریت این راه باستانی تغییر می‌کند.

کتابنامه

- آذری فر، رضا (۱۳۸۸). «شناسایی و معرفی مناطق ویژه اکولوژیک شهرستان الشتر با تأکید بر اقلیم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد (منتشر نشده).
- ابن حوقل (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)*. ترجمه و تصحیح: جعفر شعار، تهران: چاپخانه سپهر. چاپ دوم.
- اصطخری، ابواسحاق (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*. به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶). *آثار باستانی و تاریخی لرستان*. ۳ جلدی، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ سوم.
- پاتس، دنیل. تی (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی ایلام*. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- پهلوان، کیوان (۱۳۸۵). *رضاشاه «از الشتر تا آلاشت» نیای لر رضاشاه*. تهران: انتشارات آرون، چاپ چهارم.
- ترکمان، اسکندریک (۱۳۱۷). *عالم‌آرای عباسی*. به تصحیح: سهیل خوانساری، تهران: چاپخانه اسلامی.
- *حدود العالم من المشرق الى المغرب* (۱۳۶۲). به کوشش: منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- حموی، یاقوت (۱۹۷۷). *معجم البلدان*. جلد اول، بیروت: دارصادر.
- حیدری، حجت‌الله (۱۳۷۹). *ایل حسونند*. خرم‌آباد: انتشارات افلاک.
- حیدری، مهدی (۱۳۹۲). «گونه‌شناسی سفال عصر مفرغ دشت الشتر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر (منتشر نشده).
- حیدری، مهدی؛ بیگ محمدی، خلیل‌الله؛ ولدبیگی، ثروت و حسینی‌نیا، سیدمهدی (۱۳۹۴). «نگرشی به رویکردهای گاه‌نگاری عصر مفرغ دشت الشتر مبتنی بر گونه‌شناسی سفال‌های عصر مفرغ تپه‌گیران». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۳۸-۲۱.
- داوودی، داوود (۱۳۸۵). «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر (دهستان‌های فیروزآباد، یوسفوند و قلعه مظفری)». سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۶). «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر (دهستان دوآب)». سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۸۵). *راحة الصدور وآية السرور: در تاریخ آل سلجوق*. به سعی و تصحیح: محمد اقبال، تهران: اساطیر.
- ساکی، علی محمد (۱۳۴۳). *جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان*. خرم‌آباد: ناشر کتابفروشی محمدی.
- سجادی، علی (۱۳۷۶). «بررسی و شناسایی آثار فرهنگی تاریخی شهرستان الشتر (فصل اول)». معاونت پژوهش‌های باستان‌شناسی میراث فرهنگی لرستان (منتشر نشده).
- سیرو، ماکسیم (۱۳۵۷). *راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آن‌ها*. ترجمه

- مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شاخت، رابرت (۱۳۸۲). «فرهنگ‌های تاریخی اولیه». در: *باستان‌شناسی غرب ایران*. گردآورنده: فرانک هول. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
 - شیشه‌گر، آرمان (۱۳۸۴). *گزارش کاوش محوطه سرخ‌دم لکی کوه‌دشت لرستان (۱۳۸۳-۱۳۷۹)*. پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
 - ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۸). *خاطرات ظل السلطان (سرگذشت مسعودی)*. با اهتمام و تصحیح: حسین خدیو جم، تهران: اساطیر. جلد دوم.
 - کامرون، جرج (۱۳۸۷). *ایران در سینه دم تاریخ*. ترجمه حسن انوشه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - کریمی، بهمن (۱۳۲۹). *راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران*. تهران: چاپ تهران.
 - لوین، لویس (۱۳۸۲). «عصر آهن». در: *باستان‌شناسی غرب ایران*. گردآورنده: فرانک هول. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
 - مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶). *تاریخ و تمدن ایلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 - مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهة القلوب*. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
 - مظاهری، خداکرم و کریمی، بهمن (۱۳۹۳). «سفال دوره شیماشکی در دره سیمره؛ براساس مطالعه موردی قلعه زینل و غارت مالگه». *مجله مطالعات باستان‌شناسی*. دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص: ۱۴۸-۱۲۹.
 - نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۹۲). *سلجوقنامه*. تصحیح: میرزا اسماعیل افشار حمیدالملک و محمدرضا صاحب‌کلاله خاور، ناشر چاپی: اساطیر، اصفهان: مرکز رایانه‌ای قائمیه.
 - نیکنومی، کمال‌الدین و رفیعی‌علوی، بابک (۱۳۸۸). «چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد». *مجله مطالعات باستان‌شناسی*. دوره ۱، شماره ۱. صص: ۲۱۵-۱۹۹.
 - والا، فرانسوا (۱۳۷۳). «شوش و ایلام». ترجمه آ. همپارتیان. *نشریه میراث فرهنگی*. تابستان و پاییز. شماره ۱۲، صص: ۲۶۵-۲۵۰.
 - واندنبرگ، لویی (۱۳۷۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.

- Azarifar, R. (2009). "Identification and introduction of ecological regions in Aleshtar with emphasis on climate". M.A thesis, Khoramabad: University of Islamic Azad Khorramabad Branch (unpublished).

- Davoodi, D. (2006). "Survey and identify of ancient relics Aleshtar county (villages of Firozabad, Yosofvand, and Ghaleh Mozafari)". Lorestan: Archive administration of cultural heritage in Lorestan province (unpublished).

- Davoodi, D. (2007). "Survey and identify of ancient relics Aleshtar county (village of Honam)". Lorestan: Archive administration of cultural heritage in Lorestan province (unpublished).

- Estakhri, A. (1962). *Masalek Va Mamalek. To effort of Iraq Afshar*. Tehran: Bongah Tarjomeh Va Nashr Ketab press.

- Goff, C. L. (1971). "Luristan before the Iron Age". *Iran*. Vol. 9, P.P.131-152.
- Hamavi, Y. (1977). *Mojam Alboldan*. Beirut: Daralsedar press.
- Heydari, H. (2000). *Ill Hasanvand*. Khoramabad: Aflak press.
- Heydari, M. (2013). "Typology of ceramic Bronze Age of Aleshtar". M.A thesis, Abhar: University of Islamic Azad Abhar Branch (unpublished).
- Heydari, M. & Beyk Mohammadi, Kh. O. & Valad Beygi, S. & Hoseyni Nia, M. (2015). "Classification and Typological Analysis of Bronze Age Pottery of Tapeh Gariran Alaeshtar". *Journal of Pajhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, Vol. 5, No. 9, P.P. 21-38.
- Henrickson, R. C. (1986). "A regional perspective on Godin III cultural development in center western Iran". *Iran*, Vol. 22. P.P.1-57.
- Henrickson, R. C. (1987). *Godin III & the cronology of central western Iran circa 2600-1400 B.: in the archaeology of western Iran*. Edited by F. Hole, Washington DC: Smith Sonian institution Press.
- Herzfeld. E. (1968). *The Perian empire studies in geography and ethnography of the ancient near east*. Wiesbaden: franz steiner varlag GMBH.
- Hinz, W. (1963). *Persia C.2400-1800 B.C., the Cambridge ancient history*. London: Cambridge university press.
- Hodod alalam men almashreg ela almagreb, (1975). *To effort of Manochehr Sotodeh*. Tehran: Tahori library press.
- Ibn Hoghel. (1988). *Travelogue of Ibn Hoghel (Iran in Sorat alarz)*. Translate by Jaafar Shoar. Tehran: Chapkhaneh Sepehr press.
- Izad Panah, H. (1997). *Asare Bastani Va Tarikhi Lorestan*. Tehran: Society for the appreciation of cultural works and dignitaries press.
- Kameron, G. G. (2008). *History of early Iran*. Translate by Hasan Anosheh. Tehran: Scientific and cultural press.
- Karimi, B. (1950). *Ancient roads and old capitals of western Iran*. Tehran: Chap Tehran press.
- Levin, L. (2003). *Iron Age: in Archeology Western Iran*. Translate by Zahra Basti. Tehran: Samt press.
- Majidzadeh, Y. (2007). *History and civilization of Ilam*. Tehran: Press of Markaz Nashr Daneshgahi.
- Mazaheri. Kh. & Karimi. B. (2014). "The ceramic of Shimashki period; according of Ghaleh Zeynal and Gharat Malgeh". *Journal of Motaleat Bastanshenasi*, Vol. 6, No. 1, P.P. 129-148.
- Miroschedji De, P. (1980). "Le dieu Elamite Napirisha, revue d, Assyriologie et d". *Journal of archeology orientale*, Vol. LXXIV/2, P.P. 129-143.
- Mostofi, H. (1984). *Nezhat Alghlob*. Tehran: Press of Doniayeh Ketab.
- Muscarella, O. W. (1989). *Warfare at Hasnlu in the late 9th century B.C*. Pennsylvania: university of Pennsylvania.

- Neyshbori, Z. A. (2013). *Saljoghnameh*. To effort of Mirza Esmail Afshar Hamid Almolok and Mohamd Reza Saheb Kalaleh Khavar. Tehran: Asatir press.
- Niknami, K. A. & Rafii Alavi, B. (2009). "Why can't the Shimashki located in the Kerman region?". *Journal of Motaleat Bastanshenasi*, Vol. 1, No. 1, P.P. 199-215.
- Pahlavan, K. (2006). *King Reza (from Aleshtar to Alasht)*. Tehran: Arvin press.
- Parviz, A. (2001). "Bridge and evolution it in the realm of Abo Najm Aldin Badr Ibn Hasanoyeh (Fourth century A.H.)". M.A thesis, Tehran: University of Tehran (unpublished).
- Pats, D. T. (2006). *The Archeology of Ilam*. Translate by Zahra Basti. Tehran: Samt press.
- Ravandi, M. A. (2006). *Rahat alsodor va ayat alsoror*. To effort of Mohamad Eghbal. Tehran: Asatir press.
- Sajjadi, A. (2002). "Kashkan bridge in the route of historic road of Lorestan". *Journal of Asar*, No. 35, P.P. 244-268.
- Sajjadi, A. (1997). "Survey and identify of cultural and historical traces Aleshtar county". Lorestan: Archive administration of cultural heritage in Lorestan province (unpublished).
- Saki, A. M. (1965). *Historical geography and history of Lorestan*. Khoramabad: Ketabforoshi Mohamadi press.
- Shakht, R. (2003). *Early Historical Cultures: in Archeology Western Iran*. Translate by Zahra Basti. Tehran: Samt press.
- Shisheghar, A. (2005). *The report of excavation Sorkh Dom Laki site in Kohdasht Lorestan (2000-2004)*. Tehran: Cultural heritage organization press.
- Siro, M. (1979). *Ancient roads of Isfahan Area and buildings related to them*. Translate by Mehdi Mashyekhi. Tehran: Cultural heritage organization press.
- Steve, M. J. (1989). "Dex Sceaux – Cylindres de Simaski, revued, assyriologie et", *Archeology Oriental*, Vol. LXXXIII, No. 1, P.P. 126-130.
- Stine, S. O. (1940). *Old routs in western Iran*. New York: Green Wood Press.
- Steinkeller, P. (1990). *More on LV.SU (.A)*, Simaski. NABU, 13.
- Stolper, M. W. (1982). "On the dynasty of Simaski and the early Sukkalmahs, zeitchrift fur Assyriologie and vorderasiatische archaologie". *Bad 72*, P.P. 72-67.
- Torkaman, S. (1938). *Alam Aray Abbasi. To effort of Soheyl Khansari*. Tehran: Chapkhaneh Islamieh press.
- Vallat, F. (1980). *Suse et Elam recherche sur le grandes civilisations*. Paris: editions ADPF.
- Valat, F. (1994). "Shosh and Ilam". Translate by A. Hamaratyan. *Journal of Administration of Cultural Heritage*, No. 12, P.P. 250-265.
- Vandenberg, L. (2000). *Archeology of ancient Iran*. Translate by Eisa Behnam. Tehran: Press of Tehran University.
- Zadok, R. (1991). *Elamitic onomastics*. SEL 8, P.P. 225-37.

- Zal Alsoltan, M. M. (1990). *The memories of Zal Alsoltan*. To effort of Hoseyn Khadiv. Tehran: Asatir press.